



تأثیر تغییر جنسیت در ارث از دیدگاه مذاهب اسلامی و حقوق ایران

پدیدآورنده (ها) : داودآبادی، محمد؛ مجتهد سلیمانی، ابوالحسن؛ حسن زاده، صادق

حقوق :: نشریه پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت :: بهار و تابستان ۱۳۹۶ - شماره ۷

صفحات : از ۹ تا ۳۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1405508>

تاریخ داندود : ۱۴۰۴/۰۶/۰۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- وضعیت فقهی و حقوقی تغییر جنسیت
- بررسی مستندات قرآنی حکم تغییر جنسیت و آثار فقهی آن
- تغییر جنسیت از منظر فقهی و حقوقی
- احکام و آثار تغییر جنسیت از دیدگاه امام خمینی رحمه الله علیه
- مبانی فقهی و حقوقی تغییر جنسیت
- مقالات : خسارت، وجه التزام و خسارت تأخیر تأدیه
- تغییر جنسیت و مسائل فراروی آن
- تحلیل اقتصادی و حقوقی اعتبار شرط کیفری (وجه التزام)
- بررسی چالش های کیفری ناشی از اجرای ماده ۶۸۸ (۹۱۴) قانون مجازات اسلامی
- تحلیل فقهی حقوقی نقش تغییر جنسیت در ماهیت و آثار عقد نکاح
- خسارت عدم النفع در نظام حقوق کنونی ایران
- صلاحیت و نحوه رسیدگی دادگاه اطفال و نوجوانان در قانون آئین دادرسی کیفری ۹۲

عناوین مشابه

- مبانی فقهی و حقوقی اجرای احکام ارث زردشتیان در محاکم اسلامی از دیدگاه فقه امامیه و حقوق مدنی ایران
- بررسی تاثیر جنسیت و زمان بر استعاره های مفهومی غم در آثار پیش و پس از انقلاب اسلامی ایران به قلم احمد محمود و سیمین دانشور؛ از دیدگاه اجتماعی- شناختی
- کیفر توهین و دشنام اشخاص از دیدگاه فقه های مذاهب اسلامی و حقوق ایران و افغانستان
- شرط ارث بری جنین در حقوق ایران، فقه امامیه و سایر مذاهب اسلامی
- آثار تخلف ولی قهری از دیدگاه فقه های مذاهب اسلامی و حقوق ایران
- نقش دانشگاه در توسعه فرهنگی و اجتماعی از جنبه آموزش شهروندی، تاثیر آموزش آن بر میزان آگاهی شهروندان از حقوق خود و نیم نگاهی به دیدگاه منابع اسلامی
- بررسی تغییر جنسیت زنان از دیدگاه فقهی و حقوقی در ایران
- مجازات سب النبی از دیدگاه مذاهب اسلامی و حقوق ایران و افغانستان
- آثار تغییر جنسیت پس از عقد نکاح در حقوق ایران و فقه امامیه
- نگاهی نو به شمول «شبهه» در قاعده درأ از دیدگاه فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران

دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت

سال چهارم، شماره ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۶

تأثیر تغییر جنسیت در ارث از دیدگاه مذاهب اسلامی و حقوق ایران

محمد داودآبادی^۱؛ ابوالحسن مجتهدسلیمانی^۲؛ صادق حسن‌زاده^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۸/۱۹

چکیده

تغییر جنسیت در جامعه کنونی موجب پیدایش مسائل جدید فقهی و حقوقی شده است. در این مقاله سعی شده است به این پرسش اساسی و مهم پاسخ داده شود که، سهم الارث افراد پس از تغییر جنسیت از دیدگاه مذاهب اسلامی و حقوق ایران چگونه محاسبه می‌شود؟

در مورد تغییر جنسیت افراد، اکثر فقهای شیعه قائل به مشروعیت مطلق می‌باشند و در مقابل، تمام فقهاء و حقوق‌دانان اهل سنت قائل به ممنوعیت مطلق هستند؛ در حالی که، اکثر حقوق‌دانان ایران و جامعه پزشکی قائل به مشروعیت مشروط هستند.

این مقاله قول مشروعیت مطلق را پذیرفته و با تکیه بر قواعد فقهی، نتایج مهمی در مورد سهم الارث افراد، به این قرار بیان می‌کند: سهم الارث افراد پس از تغییر جنسیت، براساس جنسیت جدید محاسبه می‌شود؛ اما سهم الارث والدین پس از تغییر جنسیت نسبت به فرزند متوفی خود، براساس جنسیت سابق محاسبه می‌شود. در مورد سهم الارث زوجین از یکدیگر؛ اگر تغییر جنسیت هر دو متقارن باشد؛ از یکدیگر ارث می‌برند، در غیر اینصورت (تغییر جنسیت یکی از زوجین) زوجیت منقطع و ارث منتفی است.

کلید واژه: هویت جنسی، اختلال جنسی، خنثای، ترانس سکسوالیسم، ارث.

۱. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه خوارزمی dr.davoudabadi@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و اصول حوزه علمیه

مقدمه

موضوع تغییرجنسیت مورد ابتلاء جامعه حال حاضر می‌باشد و از مباحث نوظهور و پرمخاطره برای اذهان عمومی است و مسائلی روحی و روانی بسیاری را در جامعه در پی دارد و همچنین علوم مختلفی از جمله؛ پزشکی، روانشناسی، جامعه‌شناسی و فقه و حقوق را از زوایایی به خود مشغول کرده است و چالش‌های فقهی و حقوقی را در پی دارد.

سوالاتی که مطرح می‌شود این است؛ که فردی که تا دیروز مرد یا زن بوده است؛ پس از تغییرجنسیت، سهم‌الارث او چگونه محاسبه می‌شود؟ متأسفانه قانون خاصی در مورد تغییرجنسیت و سهم‌الارث افراد پس از تغییرجنسیت به تصویب نرسیده است و حتی در مورد آثار و پیامدهای حقوقی قضیه تغییرجنسیت، بالخصوص در زمینه سهم‌الارث افراد، چندان پژوهشی نشده است؛ با این که در ایران، عده در خور توجهی دچار اختلال جنسیتی جسمی و روحی هستند. البته با فشارهای اجتماعی، اخیراً نیز با اصلاحات صورت گرفته در لایحه جدید حمایت کانون خانواده، براساس بند ۱۸ ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱، رسیدگی و صدور مجوز برای تغییرجنسیت را در صلاحیت دادگاه خانواده قرار گرفته است؛ (<http://www.khabaronline.ir/news>) و شرايطی را «به شماره ۱۴۴۲/۹۲/۷ مورخ ۹۲/۸/۴ بیان شده است؛ از جمله: ۱- جواز تغییرجنسیت و غیر ترافیعی بودن درخواست مربوط به آن. ۲- لزوم أخذ مجوز لازم برای انجام این عمل از دادگاه صالح. ۳- لزوم أخذ نظریه پزشکی قانونی و بررسی سایر اوضاع و احوال پس از تحقیق از شخص متقاضی توسط دادگاه. ۴- غیر مالی و قابل تجدید نظر بودن رأی صادره. ۵- قابلیت تعقیب کیفری فرد بعد از تغییرجنسیت به خاطر انجام عملی که از مصادیق مجرمانه ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی».

با توجه به اینکه براساس قانون اساسی ایران (اصل ۱۲) «سایر مذاهب اسلامی غیر شیعه اعم از: حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی» به عنوان اقلیت‌های مذهبی تلقی می‌شوند، باید مشروعیت تغییرجنسیت را از دیدگاه تمامی این مذاهب، در نظر گرفت؛ تا افرادی که به اختلالات جنسیتی مبتلا هستند و با مشکلات و نابسامانی‌های بسیاری دست به گریبانند، از حالت اضطراب و افسردگی خارج شده و هویت خویش را باز یابند و از سهم‌الارث خود، پس از تغییرجنسیت آگاهی پیدا کنند. در این مقاله تلاش شده است؛ که بصورت مختصر و مفید به تعریف تغییرجنسیت و ارث و صورت‌های مختلف اختلالات جنسیتی و وجه تمایز آنان و نیز جنبه مشروعیت آن پرداخته شود و در

ادامه، اثر خاص تغییر جنسیت بر اصل سهم الارث، از دیدگاه شیعه و دیگر مذاهب اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. اصطلاحات و واژه‌ها

قبل از ورود به بحث نیازمندیم؛ که ابتدا با تعاریف کلی آشنا شویم و سپس به عنوان‌های اصلی بپردازیم.

۱-۱. هویت جنسی

هویت جنسی بر یک رشته نگرش‌ها، الگوهای رفتاری و سایر صفاتی که معمولاً با مردانگی و زنانگی مربوط است و توسط فرهنگ خاص افراد تعیین می‌شوند؛ متکی است. (نیکخو، ۱۳۸۷، ص ۹۹)

۱-۲. گرایش جنسی و سوگیری جنسی

«گرایش جنسی هر فرد نتیجه فعل و انفعالات پیچیده عوامل درونی، شناختی و بیولوژیکی است.» (سادوک، ۱۳۸۸، ص ۳۸۱)

۱-۳. اختلالات جنسی و نحوه بروز آن در افراد

«به هر گونه مغایرت ایجاد شده میان هویت جنسی فرد و جنسیت پذیرفته شده، که سبب ایجاد احساس پریشانی بارز و نارضایتی در فرد اطلاق می‌شود.» (پورافکاری، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۵۳۴) افرادی که دارای ابهامات جنسیتی هستند؛ «هرمافرودیسم» یا «اینترسکس» نام دارند. که به دو صورت ظاهر می‌شود:

الف. اختلالات جنسی ظاهری (آناتومیک): هرمافرودیسم حقیقی (خنثای مشکل)، هرمافرودیت کاذب مذکر و هرمافرودیت کاذب مؤنث (خنثای غیرمشکل)، هرمافرودیت محض (ممسوح). (اوحدی، ۱۳۷۹، ص ۴۶)

ب- اختلالات جنسی باطنی (روانشناسانه): ترانس سکسوالیسم (خنثای روانی). (نیکخو، ۱۳۸۷، ص ۷۳)

۱-۴. تعریف خنثی و اقسام آن

«خنثی» از واژه «خَنَث» و جمع آن «خَنَاثی و خِناث» است؛ (سعدی، ۱۴۱۹، ق، ص ۱۲۴) که به معنای «لین، نرمی و ملایمت» می‌باشد. (حسینی‌زبیدی، ۱۳۰۶، ق، ج ۵، ص ۲۴۰) در کتاب لغت چنین آمده است: «مرد کلامش را خنثی کرد، سخن خویش را شبیه زنان، نرم و آهسته کرده است». (سعدی، ۱۴۱۹، ق، ص ۱۲۴)

اقسام خنثی (جسمی - روانی) به شرح زیر می‌باشد:

۱. خنثی مشکل: در فقه به «کسی که، مذکر بودن او، بر مؤنث بودنش و همچنین مؤنث بودن او، بر مذکر بودنش، هیچ برتری ندارد» (جبعی‌عاملی (شهیدثانی)، ۱۴۲۰، ق، ج ۸، ص ۱۹۴) و یا اینکه «هیچ علامات مرد یا زن بودن، در آن مشهود نیست» (مقدسی، ۱۳۹۸، ق، ج ۷، ص ۱۴۷) را خنثی مشکل گویند.

۲. خنثای غیرمشکل: در فقه به «شخصی که بوسیله امارات شرعی که خداوند آن را قرار داده است؛ حکم می‌شود که جزء گروه مردان یا جزء گروه زنان می‌باشد» (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۳، ق، ج ۲، ص ۶۹) و یا اینکه «اگر در خنثای علامات مردان وجود داشته باشد؛ پس او مرد می‌باشد و باید احکام مردان را انجام دهد و اگر در آن علامات زنان وجود داشته باشد؛ پس او زن می‌باشد و باید احکام زنان را انجام دهد» (مقدسی، ۱۳۹۸، ق، ج ۷، ص ۱۴۷) را خنثی غیرمشکل گویند.

۳. ممسوح: در فقه «کسی که هیچ آلت تناسلی چه مردانه و چه زنانه ندارد» (حسینی‌مراغه‌ای، ۱۴۱۷، ق، ج ۱، ص ۳۸) و یا اینکه «کسی که آلت تناسلی مختص به مردان یا زنان را ندارد. بلکه فقط منفذی برای بول کردن داشته باشد» را ممسوح گویند. (قرطبی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۶۶)

۴. خنثی روانی: تنها عالمی که برای اولین بار موضوع اینگونه افراد را در فقه اسلامی بیان و حکم صادر کرد، امام خمینی است. ایشان فرموده‌اند: «ظاهر عدم حرمت تغییرجنسیت مرد به زن و بالعکس است و همچنین تغییرجنسیت خنثی به یکی از جنسیت‌ها حرام نمی‌باشد و آیا اگر زنی در خود تمایلات مردانه یا بعضی از آثار مردانه را مشاهده کند و یا شخصی در خود تمایلات جنس مخالف یا بعضی از آثار آن را مشاهده کند، واجب است؛ تغییرجنسیت دهد یا خیر؟ ظاهر این است که اگر شخصی حقیقتاً مرد یا زن باشد؛ ولی می‌تواند خود را به جنس مخالف تغییرجنسیت دهد، واجب نیست». (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۲۶)

۵-۱. تغییر جنسیت

تغییر در لغت به معنای «تغییر بده شی را: تبدیل و دگرگونی کردن به صورت دیگر غیر از صورت اولیه» می‌باشد. (لوئیس، ۱۴۲۳ ق، ص ۵۶۳) و جنس نیز در لغت به «ماهیتی که شامل انسان و حیوان است؛ اطلاق می‌گردد» و همچنین به معنای «کالا و متاع (شیء)» نیز بیان شده است. (عمید، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۷۰۶)

متأسفانه در قوانین مدنی، درباره تغییر جنسیت افراد و وضعیت حقوقی آنها پس از عمل تغییر جنسیت، سخنی به میان نیامده؛ اما از آنجا که قوانین جمهوری اسلامی ایران الزاماً مطابق موازین اسلامی می‌باشد؛ این خلأ قانونی توسط فتوای مراجع تقلید برطرف شده است. در قانون اساسی آمده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی، و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد». (اصل ۴)

امام خمینی برای بیان تعریف تغییر جنسیت، به عمل جراحی که سبب تغییر جنسیت می‌شود؛ اشاره کرده‌اند. ایشان بیان کرده است: «ظاهر عدم حرمت تغییر جنسیت مرد به زن یا زن به مرد است و نیز تغییر جنسیت خنثی به مرد یا زن بوسیله عمل جراحی، حرام نیست». (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۲۶) همچنین برخی دیگر، از جمله: آیت‌الله آصف حسینی (آصف حسینی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۱۱) و آیت‌الله صدر (صدر، ۱۹۹۶ م، ج ۶ ص ۱۳۳) و شیخ عطیه صقر رئیس گروه فتوی دانشگاه الأزهر (www.onislam.net) به عمل جراحی، اشاره کرده‌اند.

۶-۱. ارث

ارث در لغت عرب از «وَرَثَ يَرِثُ وَرَثًا وِ ارْثًا...» به معنای «انتقال مال یا دارایی متوفی به دیگری (خویشاوندان نسبی یا سببی)، قهراً و بدون عقد است». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۳ ق، ص ۵۵۵) بعضی از فقهاء مانند؛ محقق حلی ارث را معنی نکرده‌اند و با «موجبات ارث» بحث را آغاز نموده‌اند. (حلی (محقق حلی)، ۱۴۰۳ ق، ج ۴، ص ۸۱۱) ولی شهید ثانی می‌گوید: «میراث، صیغه مفعول و اصل آن از موراث بوده و «یای» آن منقلب از «واو» است. میراث یا از ارث گرفته شده یا از موروث. بنابر اول (معنای مصدری) به معنی استحقاق انسان، نسبت به مال متوفی، به سبب خویشاوندی نسبی یا سببی و بنابر دوم (مفعولی)، به معنی آن چیزی که انسان در اثر فوت دیگری، مستحق می‌شود». (جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۲۰ ق، ج ۸، ص ۲۶۲) علماء جمهور اهل سنت نیز می‌گویند: «مراد از

ارث، انتقال چیزی از کسی بسوی فرد دیگر است». (وزارت اوقاف و شئون الاسلامیه الکویت، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۱۷)

در قانون مدنی نیز مانند اغلب قوانین دنیا، تعریفی از ارث ارائه نشده است؛ اما در ماده ۱۴۰ قانون مدنی، ارث چهارمین سبب تملک دانسته شده است. که طبق این ماده می‌توان ارث را در اصطلاح حقوقی بصورت «انتقال قهری حقوق و دارایی متوفی به ورثه او. منظور از انتقال قهری، انتقالی است که شخص گیرنده هیچ اختیاری از خود در انتقال و تملک شدن اموال را ندارد؛ مانند: ولایت قهری پدر در مقابل فرزندان خویش» (امامی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۱۶۹) تعریف نمود.

۲. حکم تغییرجنسیت از نظر فقهی و حقوقی

در تغییرجنسیت خنثای مشکل و ممسوح، هیچ اختلاف نظری وجود ندارد. امام خمینی (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۲۶) و یوسف قرضاوی از علماء اهل سنت (قرضاوی، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۵۵-۱۵۶) و نیز دکتر کنعان از حقوقدان اهل سنت (کنعان، ۱۴۰۲ ق، ص ۲۸۴-۲۸۵) جایز می‌داند و اجرای احکام شرعی؛ مانند: ارث و ... را براساس جنسیت جدیدشان محاسبه می‌شود. (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ص ۲۳۰)

در مورد تغییرجنسیت خنثی غیر مشکل و افراد تراجنسیتی و افراد سالم، بین فقهاء سه نظریه وجود دارد؛ که به نقد و بررسی آن می‌پردازیم.

۲-۱. ممنوعیت تغییرجنسیت

آیت‌الله تبریزی (تبریزی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۷۹) و آیت‌الله‌نوری همدانی (نوری همدانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۸۶-۲۸۷) و علامه فضل‌الله نیز «حرام می‌داند» (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ص ۲۲۷) و شیخ قرضاوی (قرضاوی، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۵۵) و دکتر کنعانی (کنعان، ۱۴۰۲ ق، ص ۲۸۴-۲۸۵) و دار فتاوی علماء مکّه و همچنین شیخ عطیه صقر (www.onislam.com) تغییرجنسیت این افراد را «یک نوع تغییر در خلق‌الله و نوعی استجاب دعوت شیطان» دانسته‌اند.

۲-۱-۱. ادله ممنوعیت تغییرجنسیت

۱. جایز نبودن ایجاد تغییر در خلقت الهی: خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَلَا ضَلَّاهُمْ وَلَا مَنِّينَهُمْ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَبْتِكُنْ أَذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَغَيِّرْ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ

خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا» (سوره نساء، آیه ۱۱۹) (و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهیم کرد و وادارشان می‌کنم؛ تا گوش‌های دام‌ها را شکاف دهند و وادارشان می‌کنم؛ تا آفریده خدا را دگرگون سازند ولی هر کس به جای خدا شیطان را دوست [خدا] گیرد؛ قطعاً دست خوش زیان آشکاری شده است).

دلیل فوق صحیح نمی‌باشد؛ زیرا:

۱- در مصداق این آیه اختلاف نظر وجود دارد. علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۸۵) مصداق این آیه را «تغییر مادی و جسمی در آفریده‌های خداوند» بیان کرده‌اند. ولی فیض‌کاشانی «تغییرات مادی و تغییرات معنوی در مخلوقات و آفریده‌های خداوند» (فیض‌کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۴۰) را بیان کرده است. آیت‌الله‌مدرسی این امر را «مختص حیوانات» می‌داند و گروه دیگری «مختص بردگان» می‌دانند. (مدرسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۵)

۲- اگر آیه شریفه را دلیل بر تحریم مطلق تغییرات، بدانیم؛ تخصیص اکثر لازم می‌آید، که نزد عقلای عالم مستهجن و مردود است. (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ق، ص ۲۲۷-۲۳۰)

۳- اگر آیه شریفه را دلیل بر تحریم مطلق تغییرات بدانیم؛ با بسیاری از آیات قرآن که طبیعت را مسخر انسان معرفی کرده‌اند؛ در تعارض است. در قرآن کریم آمده است: «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (سوره هود، آیه ۶۱) (اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت) و «وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا» (سوره اعراف، آیه ۷۴) (شما را در زمین مستقر ساخت که در دشت‌هایش، قصرها برای خود بنا می‌کنید و در کوه‌ها، برای خود خانه‌ها می‌تراشید) و «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» (سوره لقمان، آیه ۲۰) (آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان‌ها و زمین است، مسخر شما کرده و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟).

۴- احادیثی از معصومین (ع) نقل شده است؛ که آیه شریفه را «تغییر در دین و فرمان خداوند متعال» تفسیر کرده‌اند. (عیاشی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۵۶) اما اینکه منظور از «تغییر در دین و فرمان خداوند متعال» چیست؛ چند نظریه وجود دارد: شیخ طوسی «رفتار غیر دینی» (طوسی، بی‌تا، ج ۳،

ص ۳۳۵) و علامه طباطبائی «ارتداد و خروج از دین» (طباطبائی، ۱۳۹۳ ق، ج ۵، ص ۹۸) بیان کرده‌اند.

۲. عدم جواز ضرر رساندن به بدن خویش: مطابق موازین فقه شیعه (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ص ۲۲۷) و اهل سنت، (الأحسائی (ابن‌ابی‌جمهور)، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۶۹) حذف عضوی از بدن توسط انسان یا دیگری، بخاطر عدم مصلحت جبران‌کننده ضرر، غیر جایز و نامشروع است. «حال اگر عمل تغییرجنسیت را مجاز بدانیم؛ باید مستلزم این امر باشیم، که حذف کردن عضوی از بدن را نیز توسط پزشک معالج جایز بدانیم». (مدنی‌تبریزی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۴۹) در صورتیکه بخاطر عدم مصلحت جبران‌کننده ضرر، غیر جایز و نامشروع می‌باشد.

دلیل فوق منطقی نیست؛ زیرا:

۱- اگر تغییرجنسیت موجب ضرر رساندن به بدن می‌شود؛ پس چرا شما در مورد «خنثای مشکل» قائل به جواز تغییرجنسیت شده‌اید و آن را یک عمل عقلائی، محسوب کرده‌اید. (صدر، ۱۹۹۶ م، ج ۶ ص ۱۳۳)

۲- حرمت از بین بردن اعضای بدن در صورتی است؛ که هیچگونه ضرورتی برای آن وجود نداشته باشد. اما در موارد اضطراری و براساس قاعده (الضرورات تبیح المحظورات)، حرمت برداشتن عضو، مرتفع می‌شود. (خرازی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴)

۳. رواج همجنس‌بازی: علامه فضل‌الله می‌گوید: «این عمل، اقدام فریب کارانه‌یست؛ که از سوی اقلیت همجنس‌بازان، برای هموار ساختن لواط ایجاد شده است؛ که همواره از سوی اکثریت جوامع بشری مطرود می‌باشد و انجام دهندگان آن تحقیر می‌شوند». (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ص ۲۷۷)

دلیل فوق قابل بحث و مناقشه است؛ زیرا:

۱- اگر تغییرجنسیت موجب همجنس‌بازی می‌شود؛ پس چرا شما در مورد «خنثای مشکل و ممسوح قائل به جواز تغییرجنسیت شده‌اید». (کریمی نیا، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷)

۲- کسانی که اعتقاد به تغییرجنسیت دارند؛ منظورشان «تغییرجنسیت حقیقی» است؛ نه «صوری و ظاهری». (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۷ ق، ج ۲، ص ۶۱۸)

۳- همچنین تغییرجنسیت، هیچ ملازمه‌ای با همجنس‌بازی ندارد؛ چه بسا «فردی تغییرجنسیت دهد و هیچ وقت ازدواج نکند» (کریمی نیا، ۱۳۹۱، ص ۱۱۸) و بصورت مجرد زندگی کند.

۴. عدم تشبه مرد به زن و بالعکس: دکترکنعانی بیان کرده است: «در صحيح (کتاب روايي اهل سنت) آمده است: پیامبر اکرم (ص) مردانی که خود را شبیه به زنان و زنانی که خود را شبیه مردان می‌کنند؛ لعنت کرده است. این سخن رسول الله، در مورد شباهت ظاهری می‌باشد. پس چگونه است؛ تغيير واقعی در اعضای بدن صورت بپذیرد». (کنعان، ۱۴۰۲، ق، ص ۲۸۵)

نویسنده فوق از قیاس اولویت، استفاده نموده است. بدین صورت که وقتی تشبه ظاهری حرام باشد؛ پس تشبه واقعی نیز حرام خواهد بود.

دلیل فوق قابل بحث است؛ زیرا:

۱- روایاتی که در باب «تشبه مرد به زن و بالعکس» (انصاری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۷۳) آمده است؛ بر شباهت داشتن در نحوه زندگی (لباس پوشیده و راه رفتن و ...) با حفظ اصل جنسیت، دلالت می‌کنند. در حالیکه تغییرجنسیت، یک نوع تغییر ماهوی است؛ که صدق تشبه، نمی‌کند. (منتظری، ۱۴۱۷، ق، ج ۲، ص ۵۱۷)

۲- اساساً «تغییرجنسیت مرد به زن» با «تشبه مرد به زن» تفاوت دارد؛ زیرا تغییرجنسیت، تبدیل و تغییر موضوع است؛ نه تشبه موضوع. (کریمی‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۱۱۶)

۵. استناد به قاعده فقهی (لاضرر و لااضرار فی الاسلام): بعضی‌ها به موجب این قاعده بیان کرده‌اند؛ که «چون عمل تغییرجنسیت برای این افراد هیچ فایده عقلایی ندارد؛ مستلزم ایجاد خطرات جبران ناپذیری و ضرر رساندن به بدن می‌شود. پس تغییرجنسیت حرام است». (خرازی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴)

دلیل فوق منطقی نیست؛ زیرا:

۱- مقصود از قاعده «لاضرر و لااضرار فی الاسلام»؛ «عدم تشریع حکم ضرری»، در دین اسلام است. (انصاری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۶۰) بدین معنا که «حکم ضرری در اسلام وجود ندارد؛ پس اصولاً در اسلام ضرر موجود نیست». (محقق‌داماد، ۱۳۹۲، ص ۱۴۳) «مضافاً بر اینکه لسان قاعده لاضرر، شیء نیست؛ بلکه برداشتن هر حکم ضرری است». (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، ص ۲۴)

۲- در صورتی که شخص بیمار مجبور شود، که عضوی از اعضای بدن خویش را بردارد؛ براساس قاعده فقهی «الضرورات تبیح المحظورات» برداشتن عضو، مشروع می‌باشد. (خرازی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴)

۳- بنابر نظر اکثر پزشکان «افراد تراجنسیتی یک نوع بیمار هستند؛ که تنها درمان این افراد، تغییرجنسیت توسط عمل جراحی است» و چون «این عمل دارای مصلحت می‌باشد؛ پس این قاعده از اجرا ساقط می‌شود.

۶. اختلال در نظم عمومی جامعه: چون «حفظ نظام و مصالح مسلمین، فلسفه تشکیل حکومت اسلامی می‌باشد»؛ (موسوی خمینی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۶۱) و برای «جلوگیری از هر اختلال» حکم به عدم مشروعیت باید داد.

دلیل فوق صحیح نیست؛ زیرا:

اولاً: «تشخیص محدوده و مرز اختلال نظام، دشوار و غیر ممکن» است. (انصاری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۳۷)

ثانیاً: امام خمینی بنیانگذار انقلاب اسلامی، حکم به جواز تغییرجنسیت (بطور مطلق)، را صادر نموده است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۲۶)

ثانیاً: در مواردی که تغییرجنسیت، طبق نظر پزشک برای درمان صورت بگیرد؛ دلیل فوق نمی‌تواند، دلالت بر ممنوعیت آن بطور مطلق نماید. (باریکلو، ۱۳۸۲، ص ۷۲)

۷. حرمت نگاه کردن به عورت دیگران: با توجه به اینکه عمل تغییرجنسیت باعث ارتکاب مقدماتی حرام، مانند: نگاه کردن به عورت دیگران و لمس و ... می‌شود؛ که از دیدگاه قرآن کریم (سوره نور، آیه ۳۱-۳۰) و روایات (حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۹۹) حرام است. و از آنجا که تغییرجنسیت منجر به لمس و نگاه به عورت می‌شود؛ پس حرام است.

دلیل فوق قابل بحث است؛ زیرا:

۱- نگاه به عورت و لمس آن، از ملازمات عمل تغییرجنسیت است و همچنین زمانی که تغییرجنسیت این افراد صحیح باشد؛ دیگر این حرمت برطرف می‌شود. (کریمی‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰)

۲- همچنین نگاه و لمس عورت دیگران در غیر اضطرار، صحیح نمی‌باشد؛ ولی به محض اینکه اضطرار ایجاد کند، این حکم مرتفع می‌گردد. (خرازی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴)

۳- احادیثی از معصومین (ع) نقل شده است؛ که نگاه کردن به بدن نامحرم در اضطرار، مشروع است. (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۵۳۴) در روایات آمده است: «از امام صادق (ع) در مورد زنی مسلمانی پرسیدم، که دچار بیماری در بدنش شده است. یا شکستگی یا زخمی در جایی، که مرد

نمی‌تواند؛ بدان بنگرد. همچنین طیب مرد در معالجه کردن حاذق‌تر از زنان است، آیا طیب مرد می‌تواند؛ برای درمان به آن مکان بنگرد؟ امام (ع) فرمودند: وقتی زن برای معالجه ناچار باشد؛ اگر بخواهد می‌تواند مرد او را معالجه کند».

با توجه به روایت مذکور، نگاه و لمس عورت نامحرم در شرایط عادی، حرام است. اما این حکم در موارد ضرورت و اضطرار، رفع می‌شود. از جمله موارد ضرورت: زمانی که معالجه، جز با لمس یا نظر پزشک به عورت حاصل نشود؛ حکم حرمت نگاه به عورت، مرتفع می‌شود.

۸. عدم ایجاد نسل بشریت: همچنین تغییر جنسیت برای یک امر معقولی مانند: «باروری و زاد و ولد» که در شریعت اسلام (حرعاملی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۴، ص ۳۳) که بر آن تاکید شده است؛ بشمار نمی‌آید، بلکه برای ارضای شهوت و لذت‌پرستی صورت می‌گیرد. (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ص ۲۷۷) دلیل فوق قابل قبول نمی‌باشد؛ زیرا:

۱- احادیث «باروری و زاد و ولد» دلیلی بر «وجوب تولید نسل» نمی‌باشد. شیخ انصاری بیان نموده است: «بدانید که نکاح، مستحب مؤکد است (بخاطر شدت طلب). همچنین به خاطر صورت طلب (امر) در عمومات (روایات)، واجب نمی‌باشد. مثل: کلام رسول‌الله (ص) که فرمود: (تناکحوا تناسلوا)». (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ص ۳۱)

از عبارت فوق اینگونه استنباط می‌شود که؛ وقتی ازدواج مستحب باشد؛ باروری نیز بنابر قیاس اولویت مستحب است. بعبارت دیگر؛ چون نکاح مستحب است؛ به طریق اولی، فرزندآوری نیز مستحب هست.

۲- اگر کسی ازدواج نکند و یا ازدواج کرده، ولی مایل به داشتن فرزند نیست؛ مرتکب حرام نشده است. (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۲۵۰) زیرا عقد نکاح، دلیلی بر وجوب استیلا بر زوجین، ندارد. (جبعی عاملی (شهیدثانی)، ۱۴۱۳ ق، ج ۷، ص ۲۸۱)

۳- اگر تولید نسل واجب بود؛ باید «عقیم بودن»، جزء عیوب فسخ نکاح بشمار می‌آمد. در صورتیکه «ازدواج با عقیم مکروه» است. (جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳ ق، ج ۷، ص ۱۵)

۴- همچنین قبل از تغییر جنسیت از «اسپرم و تخمک افراد خواهان تغییر جنسیت در بانکی ذخیره شده» (www.safarinejad.com) تا اینکه در آینده بتوانند؛ صاحب فرزند شوند.

۹. **عدم منفعت عقلایی:** فقهاء بیان کرده‌اند که «اجازه دادن یا انجام دادن کاری، باید دارای منفعت عقلایی مشروع باشد؛ که در مورد عمل پزشک نیز صدق می‌شود» (شهیدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۰۲) و تغییرجنسیت فرد تراجنسیتی بخاطر عدم مشکل، عقلایی نمی‌باشد و عمل پزشک نیز نامشروع است. دلیل فوق صحیح نمی‌باشد؛ زیرا افراد تراجنسیتی از لحاظ روحی دچار یک سردرگمی هستند و برای خروج از این سردرگمی بنابر نظریه پزشک (باریکلو، ۱۳۸۲، ص ۷۲) باید تغییرجنسیت دهند. پس این عمل منفعت عقلایی داشته و مشروع است؛ که در نتیجه عمل پزشک معالج نیز مشروع می‌باشد.

۱۰. **استصحاب حالت سابقه فرد:** عمل جراحی موجب تغییرجنسیت نمی‌شود؛ زیرا «سایر خصوصیات جسمی و روحی او همچنان در فرد باقی می‌ماند و شبیه افراد خنثای شده‌ای که عضو تناسلی وی قطع شده است و تمام احکام زن یا مرد بودنش که قبل از عمل جراحی بر او جاری می‌شد، همچنان پا برجا است». (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ص ۲۲۷)

دلیل فوق قابل بحث است؛ زیرا:

۱. زمانی استصحاب جاری می‌شود؛ که موضوع قضیه متیقنه و مشکوک از دیدگاه عرف، متحد باشد. (خراسانی (آخوندخراسانی)، بی‌تا، ص ۴۲۷) اما در اینجا موضوع استصحاب (خود فرد بیمار) به نظر عرف و پزشکان، مفهوماً و مصداقاً، تغییر پیدا کرده است؛ که بر این اساس، دیگر حالت سابقه‌ای وجود ندارد؛ که استصحاب جاری شود.

۲. «احکام شرعی، دائر مدار موضوعات می‌باشد. ولی بر مکلفین لازم نیست، که موضوع احکام را حفظ کنند؛ زیرا دلیلی بر این موضوع نداریم و فقهاء مذاهب اسلامی، براساس موضوعات حکم می‌کنند و با تغییر موضوع حکم نیز تغییر می‌کند. به عبارت دیگر؛ در اینجا دو عنوان (عنوان قدیم و عنوان جدید) همانند دو عنوان: حاضر و مسافر وجود دارد. بدین معنی که هیچ بازدارنده‌ای وجود ندارد؛ که فردی از دایره یکی از این دو عنوان برآید و در دایره عنوان دیگر درآید و دلیل عنوان پیشین هم او را در بر نمی‌گیرد، بلکه دلیل عنوان جدید او را در بر می‌گیرد و پس از انجام عمل جراحی، حکم عنوان جدید بر او بار می‌شود». (مؤمن، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۰۹)

۳. آیت‌الله مومن در پاسخ می‌گوید: «فردی که این نوع عمل را انجام می‌دهد؛ پیش از عمل جزء یکی از دو صنف مرد یا زن بوده و حکم یکی از این دو را داشته است. اما پس از انجام عمل جراحی عنوان پیش بر او صدق نمی‌کند و در نتیجه دلیل‌های احکام این عنوان هم او را در بر نمی‌گیرد.

بلکه عنوان مقابل بر او صدق می‌کند و به ناگزیر دلیل احکام این عنوان هم او را در بر می‌گیرد و هیچ مشکلی درباره وی تصور نمی‌شود». (مؤمن، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۰۹)

۴. بنابر نظریه فقهاء «زمانی که مرد یا زنی تغییرجنسیت می‌دهد؛ باید احکام جنسیت جدید را انجام دهد». (صدر، ۱۹۹۶ م، ج ۶، ص ۱۳۷)

۲-۲. مشروعیت تغییر جنسیت

امام خمینی (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۲۶) و آیت‌الله منتظری (منتظری، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۵۱۷-۵۱۸) و آیت‌الله فاضل‌لنکرانی (www.markazfiquhi.org) و آیت‌الله خرازی (خرازی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴) و آیت‌الله مطهری (مطهری، ۱۴۰۳ ق، ص ۱۹۰) تغییر جنسیت این گونه افراد را جایز می‌دانند.

۲-۱. ادله مشروعیت تغییر جنسیت

۱. عدم دلیل بر حرمت تغییر جنسیت: آیت‌الله منتظری بیان کرده است: «ظاهر آن است؛ که هیچ دلیلی بر حرمت تغییر جنسیت وجود ندارد. ولی وقتی مقدمات آن مانند: نگاه به عورت و لمس در غیر از ضرورت همراه باشد؛ جایز نمی‌باشد. همچنان که اگر کسی در خود تمایلات جنس مخالف را در خود به شدت احساس کند و برای ابراز آن چاره‌ای جز عمل جراحی نباشد؛ در این صورت مانعی برای تغییر جنسیت در درمان آن وجود ندارد. بلکه زمانی که انجام وظایف شرعی به عمل جراحی وابسته باشد؛ چه بسا عمل تغییر جنسیت واجب باشد». (منتظری، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۵۱۷-۵۱۸)
۲. استناد به اصل اباحه و اصل حلیت: «بنابر اصل اباحه تمامی تصرفات جایز است؛ مگر اینکه دلیلی بر ممنوعیت آن وارد شده باشد» (صنقور، ۱۴۲۸ ق، ج ۱، ص ۱۷) و «بنابر اصل حلیت چیزی که میان حلال و حرام مشتبّه باشد، بر حلال حمل می‌شود». (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۳۷) بنابراین عمل تغییر جنسیت، چون نصّ صریحی بر حرمت آن نداریم؛ «بنابر اصل الإباحه و اصل حلیت تغییر جنسیت، مجاز می‌باشد». (دیانی، ۱۳۸۰، ص ۳۶) آیت‌الله خرازی بیان کرده است: «مقتضی اصل حلیت و اصل اباحه، جواز تغییر جنسیت است». (خرازی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴)
۳. قاعده تسلیط: از دلایل دیگری که می‌توان مشروعیت مطلق تغییر جنسیت را از آن استنباط کرد، قاعده «الناس مسلطون علی أنفُسهم» (خرازی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۱) است. گرچه این قاعده در سیاق

قاعده سلطه مردم بر مالشان است؛ اما «بعضی برای صحت فروش اعضای بدن نیز به آن استناد کرده‌اند». (مؤمن، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۶۳) بنابراین همانگونه که مردم حق دارند؛ در مالشان هر تصرفی بکنند، می‌توانند در بدن خود نیز هر نوع تصرفی را که اراده کنند، انجام دهند. (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص ۲۳۳) در نتیجه تغییرجنسیت طبق این قاعده، مجاز است.

۴. حدیث رفع: آیت‌الله مطهری در این باره می‌گوید: «چون دلیلی بر حرمت تغییرجنسیت در دست نداریم و براساس مقتضای حدیث رفع؛ تغییرجنسیت جایز است». (مطهری، ۱۴۰۳ ق، ص ۱۹۰) در روایت آمده است: «نه چیز، از اَمّت من برداشته شده است: خطا، فراموشی، آنچه بدان مجبور شوند، آنچه نمی‌دانند، آنچه از توانشان بیرون است، آنچه بدان ناچار شوند، حسادت، فال بد زدن، و تفکر وسوسه آمیز در آفرینش، تا زمانی که به زبان آورده نشود». (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ص ۳۰۳) براساس مفاد حدیث فوق، هر چیزی که حکم آن، برای ما معلوم نباشد؛ (ما لایعلمون) ذمه ما از آن بری است و الزامی نسبت به آن نداریم. (انصاری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۹) بعبارت دیگر؛ مفروض این است، که برای حرمت تغییرجنسیت، حکمی وجود ندارد. بنابراین، عمل جراحی تغییرجنسیت، بدون اشکال خواهد بود.

۲-۳. مشروعیت مشروط تغییرجنسیت

بعضی از حقوقدانان این نظریه را مطرح کرده‌اند. دکتر صفایی در مورد تغییرجنسیت می‌گوید: «کارشناسان پزشکی گفته‌اند: که تغییرجنسیت در افرادی که زن یا مرد کامل هستند و ابهام در آنها مشاهده نمی‌شود؛ به هیچ‌وجه امکان‌پذیر نمی‌باشد و فقط در مورد افراد دوجنسیتی (هرمافرودیت) و تراجنسیتی (ترانس سکسوالیسم) ممکن است». (صفایی و امامی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۵) و همچنین براساس استعلام شماره ۱۰۴/۷۳۸۹-۱۷/۹/۱۳۶۶، اداره حقوقی دادگستری در پاسخ به نامه پزشکی قانونی، تغییرجنسیت را منوط به تصمیم پزشکان دانسته است. «صورت دوم آن است؛ که فردی که شخصاً مرد یا زن است و دارای آلت تناسلی جنس خود می‌باشد، تصمیم به تغییرجنسیت بگیرد و پزشکان امکان آن را تأیید نمایند». (قضایی، ۱۳۷۳، ص ۶۱۶)

این نظریه صحیح نمی‌باشد؛ زیرا:

مقاله ۱. تاثیر تغيير جنسيت در ارث از ديدگاه مذاهب اسلامي و حقوق ايران ۲۳

۱. آيت الله مومن مي گويد: «دليلي بر حرام بودن اين گونه عمل جراحي وجود ندارد». (مؤمن، ۱۴۱۵ق، ص ۱۰۹)

۲. با استناد به قاعده «حديث رفع»، (مجلسي، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ص ۳۰۳) افراد سالم نيز مي توانند؛ تغيير جنسيت دهند.

۲. با استناد به «اصالة الحلیة» و «اصالة الاباحه»، تغيير جنسيت افراد سالم، جايز است. (خرازي، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴)

۳. چون از لحاظ پزشكي شرايطي لازم است؛ تا فرد بتواند تغيير جنسيت دهد، اين شرايط از لحاظ حقوقي لازم تلقي شده است؛ تا مورد حمايت قانون قرار گيرد. (باريكلو، ۱۳۸۲، ص ۷۵)

۲-۴. نظريه مختار

با توجه به نظريات سه گانه اي، که در زمينه تغيير جنسيت بيان شد؛ نظريه مشروعيت مطلق، از ديدگاه فقهی، بخاطر عدم وجود دليل حرمت از «ادله اربعه بالخصوص و بالعموم» و با استناد به «حديث رفع» و قاعده «اصالة الاباحه» و «اصالة الحلیة» و «قاعده تسليط» قابل قبول مي باشد. البته نظريه مشروعيت مشروط، با واقعيت هاي علم پزشكي، منطبق تر است.

۳. ارث افراد تغيير جنسيت داده شده از ديدگاه فقهی و حقوقي

در اين قسمت ارث افراد تغيير جنسيت داده شده، از ديدگاه فقهی و حقوقي بطور تفصيلي مورد بررسي قرار مي گيرد.

۳-۱. ارث بردن افراد تغيير جنسيت داده شده از والدين خويش

بايد گفته شود؛ در اصل ارث بردن اينگونه افراد اختلافي وجود ندارد. (مؤمن، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۱۷) همه فقهاء که تغيير جنسيت را مشروع مي دانند؛ معتقدند سهم الارث فرزندان براساس جنسيت جديد محاسبه مي شود. (صدر، ۱۹۹۶ م، ج ۶، ص ۱۳۹) زيرا براساس ظاهر آيه شريفة «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» (سوره نساء، آيه ۱۱) و ماده ۹۰۷ قانون مدني، «ميراث پسر به اندازه سهم دو دختر» مي باشد. لازم بذکر است؛ که سهم الارث افراد تغيير جنسيت داده شده با متوفي، براساس جنسيت زمان فوت، محاسبه مي شود.

۳-۲. ارث بردن والدین تغییرجنسیت داده شده از فرزندان خویش

در این مورد اختلاف نظر وجود دارد و دو احتمال مطرح است:

۱. احتمال اول: والدین تغییرجنسیت داده، اصلاً از فرزند خود ارث نمی‌برند و رابطه‌ی ارثیت به طور کامل قطع می‌گردد.

این احتمال بعید است؛ چون تغییرجنسیت، در اسلام (جبعی‌عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۲۰ ق، ج ۸، ص ۲۶) از موانع ارث محسوب نمی‌شود.

در قانون مدنی نیز تغییرجنسیت جزء موانع ارث، به حساب نمی‌آید. موانع ارث از دیدگاه حقوق مدنی به این شرح است: ۱- قتل عمدی مورث توسط ورثه. (ماده ۸۸۰ ق.م) ۲- همچنین فرزندی که به سبب انکار او لعان واقع شده است، از پدر ارث نمی‌برد و پدر نیز از او ارث نمی‌برد. (ماده ۸۸۱ ق.م) ۳- اگر متوفی مسلمان باشد، هر یک از ورثه که کافر باشد از او ارث نمی‌برد. (ماده ۸۸۲ ق.م) ۴- طفل متولد از زنا، از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی‌برد. (ماده ۸۸۴ ق.م)

۲. احتمال دوم: والدین تغییرجنسیت داده، از فرزند ارث می‌برند. ولی در این احتمال هم دو مبنا وجود دارد:

الف- مبنای اول: ارث بردن به لحاظ قرابت. ب- مبنای دوم: ارث بردن به لحاظ خویشاوندی.

امام خمینی می‌فرماید: «لکن اشکال باقی می‌ماند در ارث بر پدر، مادر، جد و جده که اگر پدر تغییرجنسیت دهد نه پدر فعلی محسوب می‌شود و نه مادر فعلی، و همچنین اگر مادر تغییرجنسیت داده باشد، مرد نه مادر فعلی است و نه پدر. در این صورت آیا از نظر حال انعقاد نطفه ارث می‌برند یا به خاطر خویشاوندی و اولویت، یا اینکه ارث نمی‌برند، تردید وجود دارد و بهتر است بگوئیم؛ ارث می‌برند و ارث آنان به لحاظ انعقاد نطفه است و پدر زمان انعقاد، دوسوم و مادر زمان انعقاد، یک سوم می‌برند و احتیاط مستحب این است؛ که با هم مصالحه نمایند». (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۲۸) پس با توجه به این نظریه، والدین به لحاظ نطفه ارث می‌برند.

۳-۳. ارث زوجین از یکدیگر بعد از تغییرجنسیت

همانطور که می‌دانیم؛ منشاء ارث از دیدگاه اسلام (جبعی‌عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۲۰ ق، ج ۸، ص ۱۵) و ماده ۸۶۱ قانون مدنی، «سبب و نسب» می‌باشد. اما درباره ارث هر یک از زوجین بعد از تغییرجنسیت نیاز به بیان سه مقدمه می‌باشیم:

الف- اجازه زوجین برای تغییر جنسیت دادن: آیا چنین عملی برای زن بدون اجازه شوهرش و بالعکس جایز است یا خیر؟ اگر تغییر جنسیت بدون اجازه شوهر، مزاحم حق شوهر از قبیل: تمتع از او و مانند آن باشد، خروج از اطاعت شوهر و داخل در عنوان «نشوز» است؛ که به حکم قرآن (سوره نساء، آیه ۳۴) و روایات (حر عاملی، ۱۴۱۲ ق، ج ۷، ص ۵۸۵) و قانون مدنی (ماده ۱۱۰۲ ق.م) نهی شده است. در مورد شوهر نیز، همین موضوع صدق می‌کند. بنابراین چون تغییر جنسیت برای زن و مرد، موجب مزاحمت و ضایع کردن حق دیگر می‌شود؛ بدون اجازه همسر جایز نیست.

ب- حکم فقهی و حقوقی بقای ازدواج در تغییر جنسیت دادن یکی از زوجین: هرگاه یکی زوجین اقدام به تغییر جنسیت کند؛ زوجیت منفسخ می‌شود، زیرا در اسلام (جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۲۰ ق، ج ۵، ص ۱۱۳) و قانون مدنی (مواد ۱۰۳۵، ۱۱۳۴، ۱۰۶۷، ۱۰۵۹ ق.م) بر لزوم اختلاف جنسیت در نکاح اشاره شده است. امام خمینی می‌فرماید: «اگر زن ازدواج کند و سپس تغییر جنسیت دهد؛ ازدواج او هنگام تغییر جنسیت باطل است». (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۲۷)

البته با تأمل در کلام نظریه پردازانی، که قائل به «بطلان نکاح از زمان تغییر جنسیت» هستند؛ مشخص می‌شود که؛ منظورشان همان انفساخ عقد است؛ زیرا براساس ماده ۱۹۰ قانون مدنی، عقد باطل، عقدی است که یکی از ۴ شرط «قصد طرفین و رضای آنها، اهلیت طرفین، موضوع معین که مورد معامله باشد، مشروعیت جهت معامله» را دارا نباشد. البته در این خصوص می‌توان نظریه دیگری را مطرح نمود و آن این است؛ که قائل شویم بطلان نکاح، اثر قهقرایی دارد. به عبارت دیگر، تغییر جنسیت موجب معلوم شدن فقدان شرط اساسی صحت نکاح در زمان انعقاد عقد می‌شود و در نتیجه، کشف از بطلان نکاح می‌کند؛ زیرا کسی که بعد از ازدواج مبادرت به تغییر جنسیت نماید؛ این عمل در واقع تغییر جنسیت نیست، بلکه کشف جنسیت است. پس با تغییر جنسیت کشف می‌گردد؛ که در زمان انعقاد عقد نکاح، این شخصی که تغییر جنسیت داده، زن یا مرد نبوده است، لذا اختلاف در جنسیت که از شرایط اساسی صحت نکاح است، محقق نبوده و در واقع در شخصیت طرف که علت عمده عقد است، اشتباه رخ داده است و لذا مطابق ماده ۲۰۱ قانون مدنی این عقد باطل است. (باریکلو، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲) هر چند که این نظر با اشکال «بطلان نکاح از زمان تغییر جنسیت» مواجه نیست، لکن ایرادی که می‌توان به آن وارد ساخت این است؛ اولاً؛ آنچه از کتب فقهی و حقوقی استنباط می‌شود، آنست که معیار و ملاک در حقوق و تکالیف خاص زن و

مرد، همان علایم جنسی ظاهری و بدنی است و مشکل می‌توان پذیرفت؛ که علایم روانی و مغزی فرد، ملاکی برای تعیین حقوق و تکالیف مرد یا زن باشد. بدین‌خاطر بسیاری از فقهاء از زمان تغییرجنسیت یکی از زوجین، عقد نکاح را باطل می‌دانند.

ثانیاً: نظریه کشف بطلان نکاح در بعضی از صور تغییرجنسیت (خنثای غیرمشکل، تراجنسیتی و افراد سالم) بسیار دور از ذهن به‌نظر می‌رسد. (باریکلو، ۱۳۸۳، ص ۱۱۳)

ج- حکم فقهی و حقوقی بقای ازدواج در تغییرجنسیت دادن زوجین: در اینجا دو حالت وجود دارد؛ که به شرح آن می‌پردازیم.

۱. تغییرجنسیت زوجین بصورت نامتقارن (غیر همزمان): هرگاه زوجین در یک فاصله زمانی نسبتاً زیاد تغییرجنسیت دهند؛ ازدواج منفسخ می‌شود؛ زیرا مجوز شرعی و قانونی برای ابقای ازدواج سابق را نداریم. امام خمینی می‌فرمایند: «اگر زن و شوهر بصورت نامتقارن تغییرجنسیت دهند و به جنس دیگری تبدیل شوند و مرد به زن، و زن مرد، تبدیل شود؛ ازدواج باطل است». (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲ ص ۶۲۷)

۲. تغییرجنسیت زوجین بصورت متقارن (هم زمان): در این حالت دو نظریه وجود دارد:

الف- ازدواج سابق دوام دارد؛ زیرا همانگونه که از پیشینه حقوقی و فقهی در زمینه خانواده بر می‌آید، نظر قانون گذار بر این بوده است؛ که عقد نکاح به سادگی عقود دیگر، متزلزل نگردد و انحلال آن براساس ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی جز از طریق «طلاق یا فسخ یا بذل مدت در عقد انقطاع» ممکن نگردد و «اصل در عقد، لزوم است». (محقق داماد، ۱۳۸۵، ص ۳۵۰) لذا عیوبی که به استناد آنها برای یکی از طرفین، حق فسخ به وجود می‌آید، همان عیوبی است؛ که در مواد ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ قانون مدنی ذکر گردیده است و تغییرجنسیت، مشمول هیچ یک از بندهای این مواد قانون مدنی نمی‌گردد. به عبارت دیگر؛ اصل ازدواج سابق را استصحاب می‌کنیم؛ زیرا موضوع، حقیقت زوجیت (زوجیت هر یک از زوجین) موجود است و فقط برخی اوصاف (مذکر یا مؤنث بودن) تغییر پیدا کرده است.

آیت‌الله‌مومن می‌گوید: «هریک از زن و شوهر دارای خصوصیت تکوینی خاصی هستند؛ که احکام خاصی بر آن مترتب می‌شود. بنابراین اگر زن و شوهر بصورت همزمان تغییرجنسیت دهند؛ بقای

زوجیت این دو امکان پذیر می باشد و اگر دلیلی برای رفع وجود نداشته باشد؛ استصحاب جاری می شود. زیرا اقتضای استصحاب، بقاء زوجیت باقی است». (مؤمن، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۱۰)

ب- ازدواج سابق دوام ندارد؛ زیرا:

۱- ازدواج سابق را نمی توان بدون ملاحظه شرایط و ضوابط شرعی و حقوقی استصحاب کرد. بر مرد پرداخت نفقه و ... واجب است؛ که با تغییر جنسیت، او زن شده و دیگر این وجوب وجود ندارد.

۲- ازدواج علاوه بر نسبت زوجیت بین طرفین، چیز دیگری نیز لازم است و آن اینکه، مرد زوج باشد و زن زوجه، که اصطلاحاً رابطه «غیر متشابه الاطراف» می گویند؛ یعنی میان دو چیز فقط از یک جهت، یک نسبت خاص وجود دارد. مانند: علی که پسر جواد است و جواد پدر علی. (کریمی نیا، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴)

آیت الله مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ ق، ج ۱، ص ۴۷۰-۴۷۲) و آیت الله لنکرانی (موحدی لنکرانی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱) ازدواج سابق را باطل می دانند.

در آخر امام خمینی می فرماید: «اگر زوجین بصورت متقارن تغییر جنسیت دهند. آیا نکاح باطل است یا باقی است و اگر احکام تغییر کند یا بر مرد فعلی که زن سابق بوده است؛ نفقه و بر زن فعلی که مرد سابق بوده است، اطاعت از شوهر واجب است؟ احتیاط واجب است که مجدداً ازدواج نمایند و زن با دیگری ازدواج نکند؛ مگر اینکه با اجازه هر دو طلاق صورت گیرد؛ هر چند بعید نیست که که ازدواج آنها همچنان برقرار باشد». (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۲۷)

در اینجا نیازمندیم؛ که در مورد فتوی مذکور چند نکته ذکر کنیم:

الف- دلیل احتیاط برای این است؛ که ازدواج سابق براساس شرایط و ضوابط خاصی برقرار شده است، که با تغییر جنسیت این شرایط قابل دوام نمی باشد و متعهد ساختن مرد فعلی به پرداخت نفقه و زن فعلی به اطاعت از شوهر، یک امر جدید محسوب می شود.

ب- اما اجرای طلاق برای منحل کردن ازدواج سابق برای این است؛ که بعید نمی باشد، که ازدواج سابق باقی باشد. دلیل آن هم این است، که چه بسا اصل ازدواج سابق هر چند برخی خصوصیات و شرایط مانند زوج و زوجه بودن تغییر کرده است؛ قابل استصحاب باشد.

ج- در نگاه امام خمینی، ازدواج جایگاه بالایی دارد؛ که سبب ارتقای سطح اجتماع و کاهش فساد و جرم می باشد؛ بخاطر همین ایشان چنین حکمی را صادر کرده اند.

در آخر اینکه امام خمینی بقای ازدواج سابق را ترجیح می‌دهد و می‌گوید: «بنابر احتیاط، ازدواج میان آن دو تجدید شود».

نتیجه و پیشنهاد

با توجه به گفته‌های پیشین اینگونه می‌توان نتیجه گرفت؛ که عمل تغییرجنسیت در مورد «ممسوح و خنثای مشکل» هیچ اختلاف نظری وجود ندارد. اما در مورد «خنثای غیرمشکل و خنثای روانی و افراد سالم» اختلاف نظر وجود دارد و نظرات زیر ابراز شده است:

الف- ممنوعیت مطلق. ب- مشروعیت مطلق. ج- مشروعیت مشروط.

نظریه دوم را اکثریت فقهای شیعه در مورد خنثی غیرمشکل و خنثی روانی پذیرفته‌اند. زیرا با «نظم عمومی و اخلاق حسنه مغایر نیست». پزشکان نیز این دو گروه را «جزء بیماران به شمار آورده‌اند؛ نه منحرفان».

فقهاء امامیه معتقدند: تغییرجنسیت این افراد «در صورتی که ملازم با کارهای حرام، مثل لمس و نظر حرام و مانند آن و یا اینکه مستلزم به خطر انداختن سلامتی و اخلاق حسنه و اختلال در نظم اجتماعی نباشد»؛ جایز است؛ زیرا برای حرمت تغییرجنسیت این گروه، هیچ گونه دلیل شرعی «نه بالخصوص و نه بالعموم» از ادله اربعه وجود ندارد و نمی‌توان حرام شمرد.

اما در مساله ارث، افراد پس از تغییرجنسیت براساس جنسیت جدید ارث می‌برند. ولی والدین بعد از انجام عمل جراحی تغییرجنسیت، براساس خلقت اولیه خویش از فرزندان متوفی خود ارث می‌برند. اما در مورد ارث بردن زوجین از یکدیگر به این صورت می‌باشد: اگر یکی از زوجین، تغییرجنسیت دهد یا هر دو زوجین بصورت نامتقارن تغییرجنسیت دهند؛ نکاح سابق منفسخ (باطل به قول فقهاء) و از یکدیگر ارث نمی‌برند. اما اگر هر دو زوجین بصورت متقارن تغییرجنسیت دهند؛ اختلاف نظر است که بنابر قول امام خمینی، نکاح سابق باقی است و از یکدیگر ارث می‌برند.

پیشنهادهایی به منظور بهبود و اصلاح وضعیت حقوقی و فرهنگی افراد متقاضی تغییرجنسیت به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. تصویب قوانین برای تعیین سهم الارث افراد خواستار تغییرجنسیت بعد از عمل جراحی، که به شرح زیر می‌باشد:

الف- سهم الارث افراد خواستار تغییر جنسیت براساس جنسیتشان، در زمان استحقاق ارث (فوت متوفی) محاسبه می‌شود.

تبصره: تنها یک استثناء وجود دارد که ورثه کافر، قبل از تقسیم، اسلام بیاورد که این حکم شامل افراد خواستار تغییر جنسیت نیز می‌شود.

ب- سهم الارث والدین خواستار تغییر جنسیت از فرزندان خویش، براساس خلقت اولیه (حال نطفه) محاسبه می‌شود.

ج- در صورتی که والدین تغییر جنسیت داده شده، بخواهند نسبت به سهم الارث از فرزند متوفی خویش مصالح کنند؛ این امر امکان پذیر می‌باشد.

د- ارث بردن زوجین خواستار تغییر جنسیت از یکدیگر به این صورت می‌باشد؛ که اگر یکی از زوجین و یا هر دو زوجین بصورت نامتقارن، تغییر جنسیت دهند؛ نکاح سابق منفسخ (باطل به قول فقهاء) و از یکدیگر ارث نمی‌برند. اما اگر هر دو زوجین بصورت متقارن تغییر جنسیت دهند؛ نکاح سابق باقی است و از یکدیگر ارث می‌برند.

۲. تشکیل کارگروه حقوقی برای امر مصالح برای تقسیم و محاسبه سهم الارث بین والدین تغییر جنسیت داده شده از فرزند متوفی خویش.

۳. تحت پوشش بیمه قرار دادن افراد متقاضی تغییر جنسیت در کل کشور.

۴. تشکیل واحد نظارت و بازرسی به منظور جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی در عمل تغییر جنسیت.

۵. تأسیس انجمنی برای حمایت از بیماران ترانس سکسوال. (۱)

۶. راه اندازی بانک ذخیره سازی اسپرم و تخمک افراد متقاضی تغییر جنسیت (۲)، که بتوانند بعد از تغییر جنسیت صاحب فرزند شوند.

یادداشت‌ها:

1. Transsexual.

۲. منظور از تغییر جنسیت، «تغییر جنسیت واقعی» می‌باشد و بزرگان اسلامی «تغییر جنسیت صوری و ظاهری» را نیز منع نموده‌اند. به عبارت دیگر تغییر جنسیت به معنای تغییر هویت و جنسیت فرد می‌باشد؛ نه اینکه تغییر ظاهری در فرد ایجاد شود. اگر ازدواجی صورت گیرد؛ آن «ازدواج باطل» است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ق، ج ۲، ص ۶۱۸) امام خمینی نیز بیان کرده است: «هیچ شبهه‌ای در وجوب ترتیب دادن آثار جنس واقعی و حرمت ترتیب دادن آثار جنس ظاهری، نیست...».

۳۰ دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت، سال چهارم، شماره ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۶

(موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۲۷) همچنین آیت‌الله خرازی بیان کرده‌اند: «مراد از تغییر جنسیت خصوص قطع آلت تناسلی و ایجاد حفره‌ای نیست؛ که در امکان نزدیکی مرد شبیه به زن شود؛ زیرا موجب تغییر جنسیت نمی‌شود. بلکه مقصود ما از تغییر جنسیت این است؛ که هویت و جنسیت مرد بطور کامل تغییر کند». (خرازی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۱)



فهرست منابع

* قرآن کریم.

الف. کتاب فارسی

- امامی، سید حسن؛ حقوق مدنی، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۸۴.
- اوحدی، بهنام؛ تمایلات و رفتارهای جنسی طبیعی و غیرطبیعی، تهران: آتروپات، ۱۳۷۹.
- پورافکاری، نصرت‌الله؛ فرهنگ جامع روانشناسی و روانپزشکی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱.
- تبریزی، جواد؛ استفتائات جدید (للتبریزی)، قم: نشر سرور، ۱۳۸۵.
- سادوک، بنیامین جیمز؛ خلاصه روان پزشکی، مترجم: فرزین رضاعی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۸۸.
- شهیدی، مهدی؛ تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران: انتشارات حقوقدان، ۱۳۷۷.
- صفایی، سید حسین؛ امامی، اسدالله؛ حقوق خانواده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- عمید، حسن؛ فرهنگ لغت عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰.
- قضایی، صمد؛ پزشکی قانونی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- کریمی‌نیا، محمدمهدی؛ تغییر جنسیت با تاکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: تنظیم نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱.
- کریمی‌نیا، محمدمهدی؛ تغییر جنسیت: از منظر فقه و حقوق، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۸۹.
- محقق داماد، سیدمصطفی؛ قواعد فقه (بخش مدنی)، تهران: نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۲.
- محقق داماد، سیدمصطفی؛ حقوق خانواده، تهران: نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۵.
- مدرسی، سیدمحمدتقی؛ تفسیر هدایت، ترجمه: گروه مترجمان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، بی‌تا.
- موحدی لنگرانی، محمدفاضل؛ احکام پزشکان و بیماران، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۸۵.
- نوری همدانی، حسین هزار و یک مسئله (مجموعه استفتائات)، قم: نشر مهدی موعود (عج)، ۱۳۸۳.
- نیکخوا، محمدرضا؛ زندگی جنسی زنان، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۷.

ب. مقالات

- باریکلو، علیرضا؛ «آثار حقوقی تغییر جنسیت»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۳، پاییز، از صفحه ۱۰۷ تا ۱۳۰، ۱۳۸۳.
- باریکلو، علیرضا؛ «وضعیت تغییر جنسیت»، فصلنامه حقوق خصوصی، شماره ۵، زمستان، از صفحه ۶۳ تا ۸۶، ۱۳۸۲.
- خرازی، سیدمحسن؛ «تغییر جنسیت»، فقه اهل بیت، شماره ۲۳، پاییز، از صفحه ۱۰۴ تا ۱۴۷، ۱۳۷۹.
- دینانی، عبدالرسول؛ «حقوق اخلاق پزشکی (بیواتیک) و اصلاح جنسیت»، مجله دادرسی، شماره ۲۹، آذر و دی، از صفحه ۷ تا ۱۱، ۱۳۸۰.
- موسوی بجنوردی، بررسی فقهی حقوقی در خصوص تغییر جنسیت با رویکردی بر نظر حضرت امام خمینی، شماره ۳۶، پاییز، از صفحه ۲۱ تا ۳۶، ۱۳۸۶.

ج. کتاب عربی

- آصف محسنی، محمد؛ الفقه و المسائل الطیبه، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- الأحسانی (ابن أبی جمهور)، علی بن ابراهیم، الأقطاب الفقهیة على مذهب الإمامیة، قم: مکتبہ آیة الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۱۰ ق.
- انصاری، مرتضی؛ النکاح، قم: باقری، ۱۴۱۵ ق.
- انصاری، مرتضی؛ مکاسب، قم: موسسه مطبوعاتی دینی، ۱۳۸۷.
- انصاری، مرتضی؛ فرائد الاصول، قم: موسسه مطبوعاتی دینی، ۱۳۸۵.
- جیبی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی؛ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: اسماعیلیان، ۱۴۲۰ ق.
- جیبی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی؛ مسالک الافهام، قم: موسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۳ ق.
- حر عاملی، محمدحسن؛ وسائل الشیعة، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی؛ تاج العروس، بیروت: دار مکتبہ الحیاء، ۱۳۰۶ ق.
- حسینی مراغه‌ای، سید میر عبدالفتاح؛ العناوین الفقهیة، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- حلی (محقق حلی)، جعفر بن حسن؛ شرایع الاسلام، قم: انتشارات استقلال، ۱۴۰۳ ق.
- خراسانی (آخوند خراسانی)، محمد کاظم؛ کفایة الاصول، قم: مجمع الفکر الاسلامی، بی تا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات، بیروت: دار العلم، ۱۴۱۳ ق.
- سعدی، ابو حبیب؛ القاموس الفقهی، دمشق: دار الفکر، ۱۴۱۹ ق.
- صدر، سید محمد؛ ما وراء الفقه، بیروت: دار الأضواء، ۱۹۹۶ م.
- صنقر، محمد؛ المعجم الاصولی، قم: منشورات الطیار، ۱۴۲۸ ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان، تهران: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۹۳ ق.
- طوسی، محمد حسن؛ التبیان، بیروت: دار إحياء التراث، بی تا.
- عیاشی، محمد بن مسعود؛ کتاب التفسیر، قم: مدرسه الامام المهدی، ۱۴۰۹ ق.
- فضل الله، سید محمد حسین؛ فقه الحیاء، بیروت: دار الملائک، ۱۴۱۹ ق.
- فیض کاشانی، ملا محسن؛ الاصفی، قم: تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
- قرضاوی، یوسف؛ معلق: محمد تقی الجواهری، الحلال و الحرام فی الاسلام، تهران: تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
- قرطبی، محمد بن احمد؛ تفسیر قرطبی، قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۱۳ ق.
- کنعان، احمد محمد؛ الموسوعة الطیبه الفقهیة، بیروت: دار النفاس، ۱۴۰۲ ق.
- لوئیس، معلوف؛ المنجد فی اللغة و الاعلام، قم: انتشارات ذوی القربی، ۱۴۲۳ ق.
- مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، بیروت: دار إحياء التراث الاسلامی، ۱۴۰۳ ق.
- مدنی تبریزی، سید یوسف؛ مسائل مستحدثه، قم: چاپخانه دانش، ۱۴۱۶ ق.
- مطهری، احمد؛ مستند تحریر الوسیله (المسائل المستحدثه)، قم: خیام، ۱۴۰۳ ق.

- مقدسي، موفق الدين عبدالله؛ الشرح الكبير على متن المقنع، بيروت: دارالكتب العربي، ۱۳۹۸ ق.
- مكارم شيرازي، ناصر؛ الفتاوى الجديدة، قم: مدرسه امام علي بن ابي طالب، ۱۴۲۷ ق.
- منتظري، حسين علي؛ دراسات في المكاسب الحرام، قم: مكتبة منتظري، ۱۴۱۷ ق.
- موسوي بجنوردي، سيد محمد؛ قواعد الفقهي، قم: اسماعيليان، ۱۴۱۳ ق.
- موسوي خميني، سيد روح الله؛ تحرير الوسيله، تهران: موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره)، ۱۳۷۹.
- موسوي خميني، سيد روح الله، البيع، تهران: موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره)، ۱۳۸۰.
- مؤمن، محمد؛ كلمات سديده في مسائل جديده، قم: النشر الاسلامي، ۱۴۱۵ ق.
- وزارت اوقاف و شؤون الاسلاميه الكويت؛ الموسوعه الفقهي، كويت: انتشار مؤلف، ۱۴۱۰ ق.

د. سايت:

- www.khabaronline.ir/news
- www.markazfihi.org
- www.onislam.net
- www.Safarinejad.com



